

امام خمینی: ما در مقابل امریکا ایستاده ایم تا آخر و نخواهیم گذاشت امریکا باز گردد



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۰۰
سپتامبر ۱۳۵۹، مرداد ۱۳۵۹، شماره ۱۵ ربال

تأخیر در تشکیل دولت جایز نیست

بحث و گفتگو و کشمکش درباره «معرفی نخست وزیر و تشکیل دولت همچنان ادامه دارد. و این نه فقط باعث تاخیر است، بلکه در شرایط فوق العاده حساس کنونی زیان بخش و خطرناک است.

زیان و خطرناک خیر در تشکیل دولت از آنجا ناشی می شود که از یکسو انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مواجه با توطئه های رنگارنگ و توقف نا پذیر امپریالیسم امریکا و ضدانقلاب داخلی در همه جبهه ها و در همه زمینه ها است، و مقابل با این توطئه ها نیاز به یک دستگاه اجرائی انقلابی، متمرکز و کارا دارد، تا بتواند از همه نیروهای انقلابی امریکا استفاده کند، مردم را تجهیز کند و همه امکانات کشور را بکار گیرد.

از سوی دیگر انقلاب می باید یک برنامه مدون علمی در تمام زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و غیره برای نیل به اهداف اصلی خود، یعنی ریشه کن ساختن تسلط امپریالیسم، بسرگردگی

ما نمی توانیم دیگر زیر بار امریکا برویم، امریکا اگر تمام افراد ما را هم از بین ببرد، دیگر نمی تواند در آنجا بیاید منافع خودش را جبران کند و ملت ما را به ستم و زور در تحت شکنجه و اختناق قرار دهد.

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیادگذار جمهوری اسلامی ایران، در پاسخ به پیامی که پاپ ژان پل دوم برای ایشان فرستاده بود، سخنان مهمی ایراد کرد. امام از جمله گفتند:

ماهشدار میدهدیم!

توطئه جدید بعث عراق برای کشتار وسیع مردم بیگناه کشور ما

طبق اخبار موثق، عمال بعث عراق، تعدادی اتوموبیل با نمبر ایرانی را از مرز ایران عبور داده اند و به کرکوک و موصل می روند. در این دو منطقه، جنایتکاران بعثی، ما شینها را دقیقاً جاسازی میکنند و هر یک مقدار زیادی (از ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ پوند) آن تی قمرار میدهند. سپس اشخاصی را برای انتقال این ماشینها به شهرهای مختلف ایران و مکانهای ازبیش تعیین شده، ما مور می کنند. اشخاصی که این ماشینها را به ایران می آورند، با گردویا پناهنده ها می هستند که دولت بعثی عراق تا بحال از بازگشت آنها به ایران جلوگیری کرده است. این اشخاص به شرط آنکه اتوموبیلیا را به مکانهای مشخصی که عراقیها تعیین می کنند، حمل کنند، امکان بازگشت مجدد به ایران را کسب می نمایند. به آنها گفته میشود که پس از بازگشت اتوموبیلها در محل مورد نظر، دوسرسی را که به آنها نشان داده اند، بهم وصل کنند و سپس اتوموبیل را رها سازند و بپهرا کجا می خواهد بروند.

تا کنون ۲۰ دستگاه اتوموبیل به موصل و کرکوک انتقال یافته است و دولت بعث عراق در آنجا به ایران بازگشت داده شده است، که رد آنها معلوم نیست.

ما به همه مقامات مسئول هشدار میدهدیم که بهر طریق ممکن، این توطئه ردیالانسه و جنایتکارانه را عقیم گذارند. ما شینهای که از مرزها ایران وارد میشوند، باید با وسایل لازم، دقیقاً مورد بازرسی و کنترل قرار گیرند تا از بروز این فاجعه خائسانه و کشتار جمعی مردم بیگناه جلوگیری بعمل آید.

بعثیهای جنایتکار پس از بازگشت این جنایت در برلن غربی و وین، اینک ایران را صحنه جنایت و آدمکشی خود قرار داده اند.

چرا استرداد شاپور بختیار طلب نمیشود؟!؟

جنایات شاپور بختیار این خائن ب مردم و بهمین وسربرده امپریالیسم امریکا بر کسی پوشیده نیست. شرکت و رهبری او در توطئه خطرناک کودتای ۱۸ تیر، طی معاکات، بر حاکم معلوم شد. اثبات خنثیهای او و جنایاتی که تاکنون از زمان صدارت شه فرموده اش انجام داده و در صورت «پرزوری» کودتا در صدد انجام آن بود، ابتدا کار دشواری نیست.

این جنایتکار، ستاد عملیاتی خود را در فرانسه قرار داده و محل زندگی و کار و خرابکاری او بر همه کس معلوم است. پس لازم است که هر چه زودتر، از دولت فرانسه تقاضا شود که او را با ایران باز پس دهند و استرداد مجرمین، منطبق با حقوق بین المللی است.

اما روز پنجشنبه صبح ۲۴ ژوئیه (دوم مرداد ماه) مقامات قضائی فرانسوی رسماً اعلام کردند که تاکنون به دولت فرانسه هیچگونه درخواست استرداد در مورد شاپور بختیار نرسیده است. بنابراین دولت فرانسه از اعلام بگردن دولت ایران میاندازد که تاکنون درخواست استرداد نکرده است. باید هر چه زودتر استرداد او را طلب کرد.

ملاقات اشرف واویسی در مصر

توطئه جدید امپریالیسم امریکا علیه انقلاب ایران

بنا به گزارش رادیوسکو، اخیراً اشرف معلوم الحال، خواهر محمد رضا با واویسی در ملاقات کرد. در این ملاقات طرح توطئه جدیدی علیه انقلاب ایران مورد بررسی قرار گرفت. از جمله نیروهای کسبه مجریان این توطئه را تشکیل میدهند، دو هزار نفر از ساواک و کابین قرار می هستند، که در مسرا قامت دارند و از جانب رژیم خیانت پیشه سادات حمایت میشوند و برای اجرای عملیات تخریبی و شرکت در حملات نظامی به ایران سازمان یافته اند، دوره های آموزشی را می گذرانند. در همین گزارش آمده است که گروهی از نیروهای و خرابکاران از سازمان امنیت و نیروهای ملحق مصریه شمارها تدریس برای اجرای این توطئه شده اند. در نوایا و آکبهای فراری ایران همکاری می کنند.

این گزارش موید آنستکه رژیم خیانت پیشه سادات، که ممر را به پایگاه نظامی امریکا ساخته و نقش ژاندارم امپریالیسم امریکا در منطقه را بعهده گرفته است، از نخستین روز پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران در تمام توطئه ها و تحریکات و طرحهای مخد علیه نظامی امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران شرکت داشته، که از نمونه های با رزان، همکاری مستقیم رژیم سادات در تجا و وزنظامی نا فرجام امریکا در عملیات طیس بود.

ملاقات اشرف با واویسی در مصر نشان میدهد که پس از مرگ شاه مخلوع، اشرف خواهر معلوم الحال او، در برنا مه توطئه های امپریالیسم امریکا و ضد انقلاب نقش فعال تر و برجسته تری را بعهده گرفته است و تلاش دارد.

مقتواتی که بیانگر منافع طبقاتی آنان بود، شرکت داشتند. سرمایه داران و ملاکان می خواستند استبداد سلطنتی را تا حدودی که نتواند به حرم منافع آنان تجاوز کند و هر حاکمی نتواند تاجر «معتبری» را به فلک بپندد، مهار کنند. مبارزه آنان با سلطه خارجی نیز به مبارزه بر سر کسب منافع بیشتر از بازار ایران، که در دست شرکت های خارجی بود، محدود می شد. آنان از شاه و حامیان خارجی او ناراضی بودند، اما از توده های مردم که می توانستند تمام هستی آنان را به خطر بیندازند نفرت عمیق داشتند. آنها با انقلاب تا آن اندازه «همراه» بودند که به «شروطه» خودشان برسند و همین که انقلاب عمیق تر شد و مردم با خواست های خودشان در صحنه سیاسی ظاهر شدند، ملاکان لیبرال و تجار بزرگ، که در ابتدای جنبش با مردم همگام بودند، با دشمنان دیروز خود (همان عین الدوله ها و قوام الدوله ها و غیره) بر ضد مردم سازش کردند و در برابر نیروهای سلطه گر خارجی قیافه ناظر بی طرف به خود گرفتند.

روحانیان مبارز در انقلاب مشروطه نقش مهمی ایفا

با تحکیم جبهه متحد ضد امپریالیستی همبستگی خود را با دانشجویان مبارز زمان در امریکا ابراز داریم

سروش ریکا را نه و بربرمنشا نه امپریالیسم امریکا با دیگر به بهترین وجهی در بر خورد مقامات «امنیتی» آن کشور نسبت به دانشجویان ایرانی مقیم امریکا نمایان میشود. پلیس امریکا، از یکسو با تمام نیروها ز قالیتهای ضد انقلابی سرسپردگان «اریا مهری» و ساواکی های گریخته به «وطن» پشتیبانی می کنند و بر دسیسه گریهای آنها علیه انقلاب ضد امپریالیستی و دیگر دانشجویان انقلابی ایران را، که از تجا و زکارت ریهای پا پیدا را امپریالیسم امریکا علیه انقلاب و کشور ما برده بر میدارند و مزدوران ساواکی کاخ سفید را رسوا میکنند، آماج و حقیقتاً نه ترین حملات خود قرار میدهند.

اخباری که از زتجات فاشیست ما با نه پلیس امریکا به دانشجویان رزمنده «مقیم امریکا» در روزهای اخیر واصل می شود، انسان را بیاد مقابله جنگی و رما مقامات امریکا علیه تظا هرب کنندگان و دانشجویان ویتنامی اندازد. بیپهوه نیست که بگفته برخی از مفسران، «مقابله» پلیس امریکا با ایرانیان هواداران انقلاب، اینک «بعثیتنا می بخودیا فته است. همین چند هفته و چند روز پیش نیز شاهد آن بودیم که چگونه پلیس امریکا، به پشتیبانی آشکار و قیحا نه از تظا دیرستان آن کشور، سیاهپوستان معترض را، که به قیام علیه تبعیض نژادی و برای دستیابی به حقوق حقه خود برخاسته بودند، سرکوب می کرد، شکنجه میداد و به ضرب گلوله زبای در می آورد.

رویدادهای نامبرده با ردیگر نشان میدهد که مهم ترین وظیفه ما با مصالح دستگاه امنیتی کشور امپریالیستی امریکا، حفظ امنیت حرم چپا و لگری سرما یه است. امپریالیستهای امریکایی، هر جا که «منافع» استثمار طلبانه خویش را در خطر ببینند، چه در ویتنام، چه در ایران و چه در سرزمین بومی خویش با اعمال همه وسایل و امکاناتی که در اختیار دارند، با مقابله سرکوبگرانه برخورد می کنند. آنها در این کشور نه از ضرب و شتم خونت بسیار فروگذار میکنند و نه از کشتار آنانی که ندای خود را علیه بیداد سرما یه ها ریلند کرده اند. آنان می که ما هبهاست با تبلیغات جنجال انگیز

انقلاب مشروطه ایران

در آغاز قرن بیستم در آسیا روی داد، به لحاظ ژرفا و گستره خود جای ویژه دارد. جنبشهای انقلابی در کشورهای دیگر آسیایی (امپراتوری عثمانی، هندوستان، چین و غیره) هیچ یک تا این اندازه خصلت توده ای نیافتند و نتوانستند تا سطح قیام مسلحانه وسیع برای تحمیل اراده انقلاب بر حکومت ارتقا یابند. انقلاب مشروطه جزئی از موج بزرگ انقلاب های ضد امپریالیستی و دموکراتیک بود، که از دریای طوفانی روسیه انقلابی برخاست و نخستین ضربت کاری را بر سرمایه داری به منزلت یک سیستم جهانی وارد ساخت. هر چند امپریالیسم هنوز تا آن پایه نیرومند بود که بتواند این موج را درهم بشکند، اما برخاستن چنین عظیمی در نیمی از جهان نشانده آن بود که تضادهای موجود در جامعه بشری دیگر نمی تواند در چارچوب نظام سرمایه داری حل شود.

چند سالی از این نخستین موج گذشته بود که موجی بس نیرومندتر جهان را به لرزه در آورد و با پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی کتبر به سیستم سرمایه داری، به منزله یک نظام فراگیر جهانی، پایان گذارده شد. از آن پس امواج انقلاب هر روز سنگری از این نظام ننگین ضد انسانی را درهم می کوبد و دایره را بر ستم گران خون آشام استعمارگر تنگتر می کند.

خلق قهرمان ما با سربلندی در برابر تاریخ بشریت می توانند به خود بیالند که در تمام دوران سلطه امپریالیسم بر جهان، علیه آن مبارزه کرده، بارها در این نبردها برابر مغلوب شده، اما سلاح را بر زمین نگذاشته است. انقلاب

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

نامه افشاگرانه شورای فرماندهی سپاه «سمکو» در مورد اعمال ضد انقلابی گروه قاسملو

چرا دفتر سیاسی با اوپسی، پالیزبان، کوری رهش (علی قاضی) و بختیار، در یک جنبه علیه انقلاب ایران قرار گرفته است؟
ملاقات قاسملو با طحجرزای، جلال خلتیای عراق، از چه چیز حکایت می‌کند؟
رابطه سر هتنگ قادری عضو کمیسیون نظامی حزب با کودتای ننگین اخیر محرز است.



دهن کجی عمدی به اطلاعیه دادستانی کل کشور

پاره شده، شیشه شکسته شده، در و پنجره تخریب شده، تصاویر و بوسترهای لگدمال شده، بجای ماند. ولی مردم لنگرود به ویژه دیدند که این "اشخاص متفرقه"، یعنی کسانی که به داوری دادستان کل کشور به نیت شوم ضد انقلاب کمک می‌رسانند و جمهوری اسلامی ایران را تضعیف می‌کنند، کماکان فارغ از بیم هرگونه بازخواست و مجازاتی یک‌تاز میدان هستند و به دستور عالی‌ترین مقام قوه قضایی کشور نیز وقتی نمی‌نهند. آیا اینها فقط اوباش بی‌سرو و پا هستند، یا سران به جاهایی بند است و باهایشان را به قدری محکم احساس می‌کنند که حتی پس از اطلاعیه رسمی دادستانی کل کشور نیز ابایی ندارند از این‌که به دفتر حزب ما در لنگرود و حشانه حمله کنند.

در عکس که چاپ می‌کنیم، در کنار روزنامه‌ها و بوستری از رفیق شهید تیرازی، بوستر دیگری در گوشه راست عکس دیده می‌شود که عنوانش چنین بود: حزب توده ایران از نگاه امپریالیسم آری، این اعمال که به سود نیت ضد انقلاب است، نشانه نگاه خشم‌آلود امپریالیسم به حزب ماست، حزب مدافع زحمتکشان، حزب مدافع انقلاب، حزب مدافع جمهوری اسلامی ایران.

یک ساعت بعد از نیمه شب جمعه یازدهم مردادماه، یعنی تقریباً یک هفته بعد از انتشار اطلاعیه رسمی دادستان کل کشور، در شهر فومن یک راهپیمایی به رهبری آقاسی حائری فومنی نماینده مجلس شورای اسلامی صورت گرفت. راهپیمایی به دنبال یک سخنرانی سازمان داده شد. در پایان راهپیمایی عده‌ای - منجمه چند تن اعزامی از تهران - در مقابل دفتر حزب توده ایران در فومن اجتماع کردند. آن‌ها با دادن شعارهای انحرافی، که دشمن اصلی انقلاب ما امپریالیسم آمریکا را از زیر ضربه خارج می‌کرد و آب به آسیاب ضدانقلاب می‌ریخت، پس از آن‌که به حد کافی "تحریک" شدند، به دفتر حزب حمله بردند، مهاجمین از دیوارها بالا رفتند و درها را شکستند و بازم خرابی و توحش به دنبال خود بجای گذاشتند.

ضمناً جالب و مهم این است که عده‌ای از مردم مسلمان فومن، که در سخنرانی راهپیمایی شرکت داشتند و سپس ناظر این یورش وحشیانه شدند، متوجه گردیدند که بدون آنکه بخواهند، دارند شریک جرمی می‌شوند که به قسول دادستان کل کشور فقط ضدانقلاب و نیت شوم آن ارضاء می‌کند. بنابراین از صف راهپیمایان جدا شدند و به این عمل اعتراض کردند و گفتند که فردا شب (فرداشب واقعه) مسئولان و تحریک‌کنندگان این کار باید به برش ما پاسخ دهند که چرا از راهپیمایی ما سوء استفاده شد و این اعمال را انجام دادند.

بنا به اخبار رسیده تنی چند از پاسداران نیز که از این رویداد - برای آن‌ها غیرمتفرقه - متأثر شده بودند، از مردم دل‌جویی کردند و گفتند که ما مخالف این‌گونه کارها هستیم.

چهارشنبه ۸ مرداد، ساعت ۱۱ شب، چند نفر از "اشخاص متفرقه"، که عده‌ای از پاسداران اخراجی نیز در میان آنان بودند، به دفتر حزب توده ایران در انزلی یورش بردند و پس از تسکین در، این دفتر را اشغال کردند. هجوم وحشیانه این قوم زمانی انجام گرفته که چند روز از انتشار اطلاعیه دادستانی کل کشور می‌گذرد. در این اطلاعیه چنان‌که می‌دانیم این‌گونه اعمال محکوم و به سود ضدانقلاب توصیف شده، و گفته شده است که مقاصد قانونی در صورت تکرار این‌گونه اعمال مرتکبین را مجازات خواهند کرد.

یورش به دفتر حزب توده ایران در انزلی در عین حال یورش به اطلاعیه دادستانی کل کشور است. از قرار معلوم رهبران "اشخاص متفرقه" خود را مافوق قانون اساسی، مافوق همه مقامات جمهوری و مناف از هرگونه مجازات مافوقی می‌دانند. چه کسی چنین اطمینانی به آن‌ها داده است؟

روز ششم مرداد ماه، یعنی باز هم پس از انتشار اعلامیه آیت‌الله موسوی اردبیلی، دادستان کل کشور، عده‌ای از همان "اشخاص متفرقه"، در لنگرود به دفتر سازمان حزب توده ایران، در این شهر حمله بردند. به دنبال یورش وحشیانه آن‌ها، مقادیر زیادی روزنامه و کتاب سوسیالیستی هها هتک سازیم. این به سود انقلاب و به سود خلق کرد و حزب ما است که سیاست خود را بر روی چگونگی حفظ انقلاب ایران متمرکز کنیم و از سکر امپریالیسم ورزیم عراقی و ضدانقلاب خارج شویم. باید بی‌درنگ هر گونه روابطی را با رژیم فاسد و ضد خلقی بعث عراق قطع نماییم. باید موضع‌گیری عملی ما با ضدانقلاب از قبیل بختیار کوری‌رهش و ... اعلام گردد.

ما اطمینان داریم که اتخاذ چنین سیاستی به اعاده حیثیت سیاسی ما کمک فراوان خواهد کرد و ما را در ردیف نیروهای انقلابی ایران و جهان قرار خواهد داد. این چنین سیاستی به نفع خلق ما، انقلاب ایران، اتحاد خلق‌های ایران، صلح و سوسیالیسم است. فراموش نکنیم که از این انقلاب نباید انتظار یک انقلاب سوسیالیستی داشت و به خاطر بسپاریم که انقلاب ایران توازن قوا را به نفع صلح و سوسیالیسم، به سود نیروهای مترقی و جنبش‌های آزادی‌بخش ملی در خاورمیانه برهم زده است.

باید با احساس مسئولیت سنگین در مقابل خلق کرد و خلق‌های ایران نسبت به جمهوری اسلامی ایران موضع‌گیری نماییم.

تاریخ بی‌رحم است و هیچ اشتباه و خطایی را نمی‌بخشد.
با آرزوی توفیق حزب دمکرات کردستان ایران شورای فرماندهی هیئ "سمکو" شو ۵۹/۴/۲۷ قاسملو تأیید می‌کند!

قاسملو در یک سخنرانی در تاریخ ۵۹/۵/۷، که در دهکده عیسی‌کند، انجام گرفت، تلویحاً تأیید کرد که از رژیم بعث عراق علیه جمهوری اسلامی ایران کمک می‌گیرد، او گفت: "دولت ما به خودمختاری نمی‌دهد و سعی می‌نماید که ما اسلحه بر زمین بگذاریم. ما کمک دولت‌های دیگر را برای احقاق حقوق خودمختاری قبول می‌کنیم و تا سرحد نابودی خواهیم جنگید. دوستان، اگر ما هم اسلحه بر زمین بگذاریم، این‌ها هستند که باید اسلحه زمین‌بگذارید!" آری قاسملو، ریاکارانه می‌گوید تا مردم کرد را بهیچانه مدافع از حقوق حقه آنها و مبارزه برای کسب خودمختاری، آلت انجام توطئه‌های "دولت‌های دیگر"، یعنی امپریالیسم آمریکا و بعث عراق، علیه انقلاب ایران کند. "خودمختاری" مورد نظر امپریالیسم آمریکا و بعث عراق، که قاسملو به "کمک" آنها در جهت کسب آنست، چیزی جز قتل‌عام خلق کرد، در خون خفه کردن انقلاب ایران و سال‌ها تیرگی، ظلم، فساد هم‌چون دوران رژیم منقر پهلوی نیست.

خلق کرد باید در قبال این توطئه، هشیار و قاطع عمل کند.

به واقعیتی غیرقابل انکار اشاره شده است و آن عبارت است از رخنه عوامل ساواک، افسران فراری ارتش و عوامل رژیم بعث عراق. هرگاه کسی صحبت از پاکسازی در حزب را مطرح می‌کند عده‌ای از اعضای مسئول و صاحب‌نظر حزب با ساده‌لوحی وجود ظهیرزاده‌ها، فلاحی‌ها و ... را در هیئت حاکمه به میان می‌کنند و شرط سالم‌سازی و پاکسازی در حزب را مشروط به پاکسازی در دولت می‌دانند. اما طرح مساله به این شکل اشتباه محض است. هیچ‌گاه نباید سالم‌سازی صفوف حزب را مشروط به خوشایند یا عدم خوشایند رقیب سیاسی و احیاناً خصم خود کرد.

۶. در مقابل دادنامه متشعبین به جای اینکه بابایی روشن و مستدل به آنان پاسخ داده شود مورد فحاشی قرار گرفته و کلمه ننگین جاش را در مورد صادق‌ترین فرزندان این خلق به کار برده‌اید. آیا با اصل انتقاد از خود و انتقاد از دیگران در حزب ما به این صورت برخورد می‌شود؟ آیا هر کس خواست نظریات و مواضع خود را در مورد مسائل مشخصی عنوان نماید باید او را در ردیف جاش‌ها، ظهیرزاده‌ها، چیران‌ها و دیگر خائنین به خلق قلمداد کرد؟! مسلماً مبارزه ایدئولوژی در هر حزبی شرط ضروری وحدت فکری است. چنانچه در سازمان چریک‌های فدایی خلق دیدیم در مقابل انشعاب اقلیت، سازبان در کنار نظریات اکثریت در روزنامه کار نظریات و مواضع اقلیت را نیز جهت قضاوت اعضا و هواداران خود و توده‌های مردم متکس نمود. این است شیوه اصولی برخورد با نظریات مخالفان.

۷. در حزب از دمکراسی زیاد سخن به میان می‌آید آیا جای آن نیست بی‌رحم که زندانی کردن رفیق "فارق" کیخسروی" و همراهانش را، باید به حساب دمکراسی گذاشت؟ این شیوه برخورد غیراصولی راه را برای دیکتاتوری در حزب هموار می‌سازد و خلاف کلیه اصول فکری اخلاقی و حزبی ما است و نقض آشکار اصل سانترالیزم دمکراتیک است.

به علاوه پاسخ به نظریات و مواضع انشعاب از وظایف کمیته مرکزی و دفتر سیاسی است نه کمیسیون انتشارات و تبلیغات.

اصولاً لازم بود به دنبال این انشعاب بلنومی در سطح حزب برای بررسی و پاسخ به این نظریات تشکیل شود. لازم است در این‌جا متذکر شویم که پاسخ‌کمیسیون تبلیغات و انتشارات بیشتر سفسطه است تا پاسخ.

آیا باید غنی بلوریان و رفقاییش صرفاً به اتهام اعلام نظریات خود به عنوان خائن و جاش معرفی شوند، یا کسانی چون سید رسول دهقان که بیشتر اسلحه‌های سنگین و خودروها را تحویل عراق داد و خائنینی چون علی‌امیر عسائری و تیمسار صیادیان جلال را از جنگ عدالت‌مردم ستم‌زده ایران راه ساخت و به رژیم عراق فراری داد؟! آیا باید از وارد کنندگان اسلحه و بول عراقی و حامیان آنان در دفتر سیاسی به عنوان انقلابی یاد کرد و از غنی بلوریان و رفقاییش به عنوان خائن؟! چرا در مورد خائنین و ارتباطات سرهنگ قادری که طبق مدارک و اطلاعات دقیقی که داریم رابط‌هاش با کودتای ننگین اخیر محرز است سکوت اختیار کرده‌اید ولی علیه رفیق مبارز و صادق و صمیمی غنی بلوریان قهرمان زندان‌های شاه خائن در هم‌جا داد و فریاد راه انداخته‌اید؟ واقعا دردناک است؟! ۸. موضع خصمانه حزب ما علیه حزب توده ایران از نظر سیاسی به زبان ما است زیرا تحلیل و دیدگاه‌های حزب توده ایران در مورد ما و مسائل ایران پایه تحلیل اردوگاه سوسیالیستی و احزاب کمونیست و مترقی جهان است. مسلماً به منظور مبارزه اصولی و عملی با امپریالیسم آمریکا وحدت و هم‌فکری حزب ما با حزب توده ایران، سازمان چریک‌های فدایی خلق و سازمان مجاهدین خلق و دیگر نیروهای ضد امپریالیست ضرورت حیاتی دارد. اما برای برقرار کردن روابط اصولی با این نیروها بایست تجدیدنظری در اتخاذ سیاست‌های فعلی و موضع‌گیری‌هایمان در مقابل انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی کشورمان و جمهوری اسلامی ایران صورت پذیرد.

اعتقاد ما بر این است که تا سلطه نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی امپریالیسم بر کشوری حاکم است امکان تحقق دمکراسی وجود ندارد. برای تحقق واقعی دمکراسی واقعی باید با تمام نیرو علیه قطع وابستگی‌های امپریالیسم مبارزه کرد. در مبارزات ضد امپریالیستی مساله ملی به معنای دمکراتیزم بی‌گیر است. چگونه با انقلابی که در محاصره هم‌جانبه امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و عمال سرسپرده‌ای چون رژیم فاسد مصر، رژیم فاشیستی بعث عراق و ضدانقلاب داخلی است و هر روز با توطئه تازه‌ای علیه خود مواجه می‌شود باید این چنین موضع‌گیری خصمانه‌ای اتخاذ کرد؟! آیا نباید عمده را بر غیر عمده و اصل را بر فرع مقدم شمرد؟! ۹. دوستان عزیز کمیته مرکزی ما به عنوان اعضای دلسوز و وفاداران حزب که امید مردم زحمتکش، ستم‌زده و به پا خاسته ما است لازم می‌دانیم اعلام نمائیم شرط بیروزی ما در آن است، سیاست خود در مورد جمهوری اسلامی ایران با نیروهای مترقی در ایران و جهان وارد نگاه

شورای فرماندهی سپاه "سمکو"، نیروی مسلح حزب دمکرات کردستان ایران در منطقه استوایی، طی نامه‌ای خطاب به "دفتر سیاسی" شورای نظامی حزب دمکرات کردستان ایران و اعضای کمیته مرکزی، به روش ضد انقلابی گروه قاسملو در شرکت در توطئه‌های بعث عراق و دیگر عمال امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران، به شدت اعتراض کرده است. متن این نامه افشاگرانه چنین است:

نامه شورای فرماندهی هیئ سمکو به اجلاس ۵۹/۴/۳۰ کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران، دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران گیرندگان رونوست:

۱. کمیسیون نظامی حزب دمکرات کردستان
۲. شورای نظامی حزب دمکرات کردستان
۳. اعضای کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران
انقلاب عظیم و خلقی ما اکنون مراحل حساس و سرنوشت‌ساز خود را می‌گذراند. در این میان جنبش حق طلبانه خلق ستم‌زده ما در چنان موقعیتی قرار گرفته که فرد فرد اعضا و هواداران برای حفظ دستاورد تاریخی آن که خون‌پهای ده‌ها شهید کرد است وظیفه خطیر تاریخی دارند. لذا طبیعی است در این میان نمی‌توان بی‌طرف ماند، بلکه باید موضع‌گیری‌های روشن نمود.

ما مسئولین نظامی هیئ سمکو، با توجه به اعلام موضع بخشی از کادر رهبری حزب، لازم دانستیم با ایمان به اصل سانترالیزم دمکراتیک که برای اعضای حزب این حق را قابل شده که درباره مسائل درون حزب و جریانات و حوادث مهم، رهبری را مورد سؤال و استیضاح قرار دهد. ما که منافع خود را از منافع خلق ستم‌زده و قربانان جدا نمی‌دانیم، معتقدیم که سر نوشت حزب رهبری‌کننده خلقمان که نتیجتاً به سرنوشت خلق کرد و انقلاب ایران مربوط می‌گردد مسئولیت مشترک داریم نظریات خود را با صراحت اعلام می‌داریم و به همین صراحت نیز از کمیته مرکزی و دفتر سیاسی جواب‌های لازم را خواستاریم. مسلماً این صراحت و صداقت به وحدت صفوف رزمندگان حزب نیرو می‌بخشد و حزب را به سوی تکامل و دستیابی به شرف و آبروی سیاسی سوق خواهد داد:

۱. دفتر سیاسی باید به طور جامع گزارشات مستدل و جامعی را از تمام فعالیت‌های چندماهه اخیر به تمام سازمان‌های سیاسی و نظامی حزب ارائه دهد.

۲. اکنون که مبارزات ضد امپریالیستی خلق‌های ایران وارد مرحله نوینی شده است و هر روز بیشتر از طرف امپریالیست‌ها به سرکردگی آمریکا مورد تهاجم قرار می‌گیرد و در همان حال از پشتیبانی نیروهای مترقی و ضد امپریالیست سراسر جهانی برخوردار است، به چه منظور دفتر سیاسی آن‌چنان سیاستی در پیش گرفته که عملاً با عوامل امپریالیسم مانند: اوپسی، پالیزبان، کوری‌رهش، بختیار و به طور کلی تمام نیروهای اهریمنی علیه انقلاب ایران در یک جبهه قرار گرفته است؟

۳. عوامل نام‌برده فوق مخصوصاً سپاه زرکاری به‌طور علنی در کردستان فعالیت می‌کنند. درحالی که ضد انقلابی بودن این نیروها برای تمام سازمان‌ها و احزاب مترقی در سراسر ایران به خوبی نمایان است، چرا دفتر سیاسی تاکنون چندین بار جهت مذاکره با این نیروی ضد انقلابی، آقای ملا محمد عثمانی را به عنوان نماینده برای مذاکره با شیخ عثمان و دیگر زمامداران سپاه زرکاری تعیین کرده و خواستار ادغام این سازمان در حزب شده است. آیا نتایج توجه به کمیته ارزش کیفیت را به حداقل نخواهد رساند؟

۴. اکنون وابستگی بخشی از رهبری حزب ما به رژیم فاشیستی بعث عراق برای بسیاری از اعضا و هواداران حزب روشن شده است، در حالی که در گزارش کمیته مرکزی حزب به کنگره چهارم آمده است: حزب دمکرات از هر گونه وابستگی بیزار است. چرا با مهر و امضای دفتر سیاسی و آقای دکتر قاسملو سیل اسلحه و مهمات به کردستان جاری است؟ بی‌مناسبت نیست برای روشن شدن بیشتر قضیه از آقایان سروان حاتم، سلیم سلیمی، سراد کرده‌سور، رسول پیشناز، علی شاونیس و ... یاد کنیم که همگی با اطلاع و اجازت دفتر سیاسی اسلحه و پول وارد کرده‌اند. تازه این اطلاعات مربوط به گوشه کوچکی از کردستان است. نظیر این اتفاقات در سایر مرزهای کردستان مشاهده شده است. ملاقات آقای دکتر قاسملو با طه یاسین رمضان (طه جزراوی) معاون ریاست جمهوری و رئیس الوزرای رژیم بعث عراق که به عنوان جلال خلق‌های عراق شهره خاص و عام است و ملاقات آقای سرهنگ قادری عضو کمیسیون نظامی حزب با افسران عراقی در مرز ترحین از چه چیز حکایت می‌کند؟! ۵. انشعاب اخیر در کمیته مرکزی اگرچه از طرف کمیسیون انتشارات کم‌اهمیت تلقی شده لیکن از نظر سیاسی بازتاب بسیار گسترده‌ای در حزب و در سراسر ایران و جهان داشته است و روز به روز شاع این بازتاب گسترده‌تر می‌شود. در جزوهای که بیانگر نظریات و مواضع متشعبین است



کوبا و مکزیک کودتای نظامی بولیوی را محکوم کردند

در اعلامیه مشترکی که در بیان دیدار خوزه لوپس پورتیلو، رئیس جمهوری مکزیک در کوبا انتشار یافت، دو کشورنا میرده پیشانی خود را از قطع سلاح، بویژه قطع سلاح هسته‌ای، و پایان بخشی به سابقه تسلیحاتی اعلام داشتند.

سنا تورمک کا ورن خواستار زرگری بحسب دربار

در ایالات متحده آمریکا، سنا تورج مک گا ورن (دمکرات) از سنا خواسته است که بحسب دربار، "سالت-۲" را از سرگیری وی اظهار داشت که این امر برای اهمیت ایالات متحده و بقای بشریت دارای اهمیت است.

کنفرانس منع سلاح های اتمی در توکیو پایان یافت

"کنفرانس بین المللی هوا داران منع سلاحهای اتمی" جلسه خود را در توکیو پایان داد. در بیانیه‌ای که پس از پایان کنفرانس انتشار یافت، شرکت کنندگان خواستار شدند که بمسابقه تسلیحاتی پایان داده شود.

اعتصاب عمومی در کرمانشاه با ختری رود اردن

نیروهای اشغالگر اسرائیل تهدید کرده‌اند که اعتصاب عمومی گسترده کرمانشاه با ختری رود اردن و نوار غزه را در روز ۱۴ مرداد درهم خواهد شکست. این اعتصاب برای ابراز همبستگی با زندانیان فلسطینی فراخوانده شده است.

تجا وزتا یلندیه خاک کا میوجیا

یک سخنگوی وزارت خارجه کا میوجیا اعلام داشت که دولت آن کشور نسبت به نقض مداوم استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی کا میوجیا، به دولت تایلند اعتراض کرده است.

فعلیتهای آنان بدستور طبق برنامہ آمریکا اجرا می‌شود

با این وجود، ملاقات اشرف و اویسی در مصر، که دوهزار نفر از رزما و اکیه‌های فراری در آنجا متشکل شده اند، ادباً افرادی از نیروهای مسلح سازمان جاسوسی سرپرست اجرای توطئه علیه ایران آماده‌اند، نمایانگر آن است که امپریالیسم آمریکا، پس از نافرمانی عملی در عملیات طوسی و کشف دستگیری عاملین توطئه کودتای ۲۸ تیر، همه‌اگره‌های توطئه بزرگ جدید خود را علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بگرازانده است.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

این اخبار می‌باید برهنگاری و آمادگی مردم و مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران بیفزاید و اقدامات قاطع تر و فوری‌تری را برای کشف و سرکوب توطئه‌های ضد انقلابی ضرور میسازد.

سخنان امام خمینی

ایشان میفرستادند. کاش شما را میفرستادند با یک نامه‌ای پیش کارتر که با این جوانهایی که می‌خواهند احقاق حق بکنند، می‌خواهند مظلومیت ملت ما را اظهار کنند، آنها را گرفته‌اند و از حبسی به حبس دیگر میبرند و دست و پای آنها را غل زده‌اند و زنجیر زده‌اند، دنده‌های آنها را با چکمه شکستند و الان هم آنها در زیر چکمه و زنجیر دژ خیمان کسار است. آمریکا دارند از بین می‌روند. امام در بیان سخنان خود گفتند: «چرا باید آقای پاپ احسوالی از این دخترها و پسرهایی که امروز (الان) که من دارم با شما صحبت میکنم در حبس و زنجیرها و گرفتاریها و شکنجه‌ها بسر می‌برند، ایشان یک کلمه راجع به این مسائل صحبت نکنند؟ چرا نباید به این اشخاصی که خودشان را اهل کلیسا میدانند، خودشان را اهل کلمه نگویند که شما که مسیحی هستید چرا اینکارها را میکنید؟ من جواب این مظلومها را چی بدهم؟ اینها که به ما اشکال میکنند که شما طرفدار روحانیت هستید و این روحانیت هیچ کلمه‌ای در مقابل قدرتهای بزرگ و ظلمتهای که بر مردم میشود و بر مظلومین میشود، حتی ظلمتهای که بر خود اشخاصی که آمریکا هستند، میشود، یک کلمه صحبت نمیشود و یک پیام فرستاده نمیشود. و یک رسول فرستاده نمیشود. لکن وقتی که یک لانه جاسوسی را ما میگیریم چون جاسوسیست مسلم است، ایشان شما از قول من به ایشان سلام

بسم الله الرحمن الرحيم این دفعه دومی است که آقای پاپ برای من کاغذ میدهند و اشخاص را میفرستند. دفعه اول برای آن لانه جاسوسی بود که جوانهای عزیز ما اطلاع پیدا کردند که مرکز که در ایران به اسم سفارت آمریکا هست، سفارتخانه نیست و اشخاصی که در اینجا هستند اشخاص دیپلمات نیستند بلکه جاسوسانی هستند که در یک مرکز جاسوسی متمرکز هستند و برای ضرر ملت ما و کشور ما در آنجا مجتمع هستند و آقای پاپ شاید ندانسته توصیه کردند برای آنها و من در آنوقت مفضل تهیه‌ای به ایشان دادم و ایندفعه برای مدارس خودشان به اسم مدرسه اندیشه کاغذ نوشتند و رسول فرستادند و از ما سفارش خواستند برای اینکه مدارسشان در اینجا باشد. ما با نصاری و با یهود و با سایر اقشار ملتها هیچ دشمنی نداریم و از مدارس بهیچوجه جلوگیری نمیکنیم. مادامیکه مدرسه باشد و برای تعلیم و تعلم باشد، حالا چه تعلیم و تعلم دستورات مسیح علیه السلام یا دستورات دیگران لکن اگر ما فهمیدیم که در ایران مدارس طور دیگری هست، آنجا هم نظیر همان لانه جاسوسی است نمیتوانیم تحمل کنیم که در مملکت ما به اسم تعلیم و تربیت و به اسم مدارس یک امور دیگری انجام بگیرد و البته این با دولت است که در این موضوع تامل کند و اینموضوع را درست بررسی کند، اگر چنانچه مدارس مدرسی هستند، برای تعلیم و تربیت هستند هیچ ممنوعیت ایجاد نخواهد شد و اگر چنانچه خدای نخواسته این مدارس هم یک وضع دیگری دارند و به اسم مدارس هستند آنها ملت ما

بقیه از صفحه اول

ملاقات اشرف و اویسی

تمام نیروهای ضد انقلاب در خارج از کشور راج اطراف خود متمرکز سازد. پس از کشف توطئه کودتا و دستگیری مجریان آن، مجموعه رویدادهای چند هفته اخیر، چه در داخل کشور و چه در خارج، منظره‌ای ملی را از طرح توطئه بزرگی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران ترسیم میکند. در تکریمهای مسلحانه درنوا حی مرزی جنوب غرب ایران، که از جانب نیروهای مسلح دولت بعثت عراق بوجود آمده، تمرکز و جدایی بزرگی از نیروهای مسلح عراق در مرز ایران و همزمان با آن جمع چندین هزار نفر از نیروهای ضد انقلاب درنوا حی پیرامون کرمانشاه، انجفا ریم دریا ساز کمپانی در مرکز تهران و حمله مسلحانه چند روز پیش به پایگان نظامی در تهران، بقصد تصرف این پایگان، از نمونه‌های این رویدادها است که نشان میدهند امپریالیسم آمریکا، بدستوری نیروهای ضد انقلاب در داخل و خارج کشور، برای پیاده کردن طرح توطئه جدید علیه جمهوری اسلامی ایران زمینه‌ها را مهیا کرده است. ملاقات اشرف و اویسی هر معلوم الحال محمداً با اویسی جلادیناز زغنا مرتشکل طرح همین توطئه است.

فدا انقلابیون ایران تلاش دارند که کانون تجمع و تشکل تمام نیروهای ضد انقلاب را اینک در وجود اشرف، این مجسمه فساد و تبهکاری با زیر بنای بنیادین و سبیل همبستگی و تشکل نیروهای ضد انقلاب و بویژه افسران و اکیه‌های چنانیکه فراری از کشور و راهی از اتریشیان بازنشسته در درون کشور، که در مغزهای شنی آریا مهری زده‌خود در رویاهای شیرین گذشته بسر می‌برند و از زوئی با زکشت آن دورها در سر می‌پروراند، حفظ کنند و نیروهای ضد انقلاب را برای اجرای طرحهای توطئه آمریکا علیه ایران آماده نگه دارند. امپریالیسم آمریکا نیز با پوا بقی همکاریهای چنانیکه در محمداً اشرف، در میان با زمانه‌گان محمداً پهلوی، این عسوفاً سدونتگین را که در تبهکاری و جناح پست شهرت جهانی دارد، مسا عدترین عامل اجرای توطئه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تشخیص داده است که می‌تواند توطئه نیروهای ضد انقلاب و وفادار به خاندان ننگین پهلوی را پیرامون خود متشکل سازد.

اعلامیه سازمان حزب توده ایران در کرمانشاه

بمناسبت اشغال دفتر حزب در کرمانشاه و بازداشت دو تن از رفقا: پرویز صادقی و جواد صفاری

مردم مبارز و زحمتکش کرمانشاه!

در شرایطی که امام خمینی تاکید بر وحدت، رعایت نظم و انضباط و اجرای قانون اساسی دارند، در شرایطی که امپریالیسم هارو درنده آمریکا به همراه دیگر امپریالیسمها برای نابودی جمهوری اسلامی ایران می‌نشانند، در حالی که عوامل و مزدوران امپریالیسم در درون ارتش و دستگاه‌های دولتی و خارج از آن توطئه‌های گوناگونی را به اجرا می‌گذارند، در شرایطی که وحدت عمل کلیه نیروهای رزمنده ضد امپریالیسم و میهن پرست تحت رهبری امام خمینی شرط حتی نجات انقلاب از دست دشمنان آن است، حمله نیروهای گمراه و غیر مسئول به سازمانهای مترقی و ضد امپریالیسم و بخصوص حزب توده ایران شدت و حدت بی سابقه‌ای گرفته است. حمله به حزب توده ایران و دیگر سازمانهای ضد امپریالیسم دقیقاً در چارچوب نقشه از پیش آماده شده‌ای است که عوامل امپریالیسم و سرپرستان آن‌ها برای ایجاد جو تفرقه و تناقض، برای ایجاد بدبینی نسبت به جمهوری اسلامی ایران، برای دلسرد کردن نیروهای مؤمن به انقلاب و بالاخره برای ایجاد آن شرایطی است که در صورت انجام توطئه دیگری از جانب امپریالیسم علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران توان مقابله با آن را نداشته باشد.

مهمترین آگاه و مبارز! مدت‌ها قبل از کشف توطئه کودتا در ارتش، یعنی دقیقاً از اوایل خرداد ماه روزی نبود که دفتر حزب توده ایران و اعضا و هواداران آن در کرمانشاه مورد تهاجم قرار نگرفتند. چندین بار دفتر حزب ویران و اموال آن به غارت برده شد. متأسفانه در این میان نیروهای انتظامی به

قرا ردا ردو محمداً با بخا نوا ده اش هر سال تعطیلات زمستانی را در آنجا می‌گذرانید و بیست و پنج سال است که وی بدنبال حوادث ایران و از ترس با این منطقه نیا مده بود. او ۱۲ سال پیش این ملک را، که کاخ و استراحتگاهی است با یکصد و پنجاه تخته‌خواب، و در نزدیکی سن موریش واقع است، به مبلغ ۳/۵ میلیون فرانک سوئیس خرید. امروز قیمت این محل را به ۷ میلیون فرانک سوئیس تخمین میزنند. روز ۲۵ ژوئیه (۳ مرداد ماه) خبر قصد فروش این ملک و ویلا منتشر شد. دوازده مرد وظیفه فوری ارگانهای کشوری است که نسبت به استرداد اموال منقول و غیر منقول این جنایتکار را اقدام نمایند و اموال را که محمداً از ایران نزدیده، به ما تحویل اصلی آن، یعنی مردم ایران بازگردانند.

هر چه زودتر باید اموال مسروقه شاه مخلوع را پس گرفت

دو سه روز قبل از اینکه شاه مخلوع بمیرد، محمداً، که همچنان در فکر کسبهای با نکی خود بود، دست اندر کار فروش ملک و ویلا بزرگی شد، که در سوئیس دارد. صاحبهای با نکی به گمان او و خوانواده اش مخفی ترس و محفوظ ترند، ولی اینگونه املاک و مستغلات را نمیتوان پنهان کرد. این ملک در میان کوههای آلپ سوئیس

Advertisement for a political campaign: 'برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود' (To oppose the military aggression of imperialism, all the people must be equipped from a military point of view).

اسناد ارتباط احمد مدنی

باساواک، سیا و دربار شاه مخلوع فاش شد

مدنی رابطه نزدیکی با گروه بختیار -
امینی برای روی کار آوردن یسک
دولت آمریکایی داشت.

در زمان استانداری وی بسیاری از
پستهای مهم در اختیار وابستگان
سواواک و سیا قرار گرفت.

مجلس

تحقیق دربارہ اعتبار نامہ سید احمد مدنی
نمایندہ کرمان رسید. دکتریزدی مخبر
کمیسیون گفت:
"کمسیون تحقیق پس از بررسی مدارک
و اسناد را مشاهده و شنیدن شهادت شهود معتبر
و بعد از آنکه آقای مدنی دعوت ریاست سنی
مانند آقایان طباطبائی و بهیانی و دیگران با تجمیر
و کمیسیون را برای ادا توضیحات رد کردند
و در عوض علیه مجلس بیانیہ های توهین آمیز
ما در کردند، با توجه به دلایل زیر اعتبار نامه
وی رایہ اتفاق آراء مردود اعلام می کند:
۱- ارتباط با ساواک و رژیم شاه مخلوع.

وی که در زمان شاه مخلوع فرمانده با یکا
دریایی بندرعباس بوده است، حداقل از سال
۲۵ تا ۴۹ با ساواک و دربار شاه مخلوع ارتباط
مستمر داشته است. وی طبق ۴۲ سند که موجود
است، از خدمتگزاران دربار شاه و ساواک
بوده است. چند نمونه از این اسناد عبارتند
از:
۱- نامه وی در ۲۲/۱۲/۴۵ به ریاست ساواک
بندرعباس،
۲- نامه وی در سال ۴۴ به پیشگاه شاه مخلوع
و غرض تبریک نوروزی با امضای جان نثار؛
مدنی،
۳- تلگراف وی در سال ۴۴ به قصرشاه و
عرض تبریک میلاد مسعود (!) شاه مخلوع،
۴- نامه های وی در سال ۴۵ به شاه مخلوع
دربارہ روزجات آذربایجان (!) و در سال ۴۶
به مناسبت سالروز عقیم ماندن سوه قعدبه شاه
مخلوع؛
۵- نامه وی در سال ۴۶ برای دعوت رؤیای
ادارات منجمله رئیس ساواک جهت شرکت در
مراسم بزرگداشت قیام ۲۸ مرداد؛
۶- نامه وی در سال ۴۸ جهت رژه افسران
در جلوی شمال شاه مخلوع، در این نامه وی از
شاه مخلوع با عنوان "خدایگان شاهنشاهی
آریامهر نام برده است."
۷- فعالیت سیاسی و ارتباط با عناصر مرشد

انقلاب قبل از پیروزی انقلاب بهمن ۵۷، همانطور
که میدانید، از مدتی قبل از انقلاب نقشه های
از طرف امپریالیسم آمریکا برای مقابله با
حرکت اسلامی ایران ریخته شد. محور اصلی
جریان سیاسی را امینی، بختیار و تشکیلات
می دادند. به موجب اسناد موجود، مدنی یکی
از فعالین این جریان بوده است و جلسات
متعدد آندی داشته است. این اسناد شامل
مکالمات تلفنی با هوشنگ نهاوندی، دکتر
زرم آرا و... است. سالی اساسی این مکالمات
که از طرف مرکز اسناد ملی در آورده، دوستان
ارتش به ما داده شده است، بدینگونه است که
برای اذیت زوری انقلاب "بل" زد و در پیرون بردن
شاه تعطیل نمود و پس در غیاب او با یک سری
املاعات، دولت وحدت ملی یا شرکت افرادی
مانند سیروس آموزگار، بختیار، رسانی،
سنجایی، نظیری، صدوقی، مدنی، خسرو داد
عظیمی، نهاوندی، سرکا و... (در اینجا دکتر
یزدی توضیح داد که نام فروهر نیز در این اسامی
بود، لیکن طبق اسناد موجود، فروهر همکار
با این افراد و بخصوص شرکت در جلسه عبا حضور
امینی را تائید فرموده است. و نگذاشت که حکومت
بدرست عنا صرافراطی اسلامی بیفتد. افراد مورد
اعتماد این کابینه در طی یک مکالمه تلفنی
چنین نام برده شده بودند: کامفی، دکتر محمد
مناخی - وزیر آموزش و پرورش، زرم آرا - وزیر
بهداری، آموزگار - وزیر اطلاعات، ابراهیم زاده
- وزیر دارایی، تیمسار رجم - وزیر جنگ،
مهندس بیانی - وزیر آب و برق و خود مدنی وزیر
کشور...
۳- در سمت وزیر نیروی دریایی جمهوری
اسلامی، مسائل فرا مرای فاسد را فرا هم کرده
است. بعنوان نمونه در ۲۲ اسفند ۵۷ گروه
سیاسی زما را از دست دفاع به این نتیجه رسید
که مسئولین بروژه جا به جا ریخته شود. فردا زرم
تیمسار رسا مک دیلیمی، نا خدایه عبدالرزاقی،
عباس ماژین، مرتسب اخلال و حیث و میسل
شده و دولتمردان بدستورهای دولتی توقیف این ۳
نفر را در می نمود. بدنبال آن در تاریخ ۵۷/۱۲/۲۸
دیلیمی و عده ای دیگر ممنوع الخروج اعلام
می شوند. در اول فروردین ۵۸ نیز محکم
با زمستکی دیلیمی توسط تیمسار رفیقی صادر
می شود. لیکن مدنی در خرداد ۵۸ طی نامه ای با
بازداشت و تحت نظر قرار گرفتن این افراد
مخالفت کرد و سپس مسئولیت حاسی مانند
فرمانده بانگان و مناجل دریایی خلیج فارس
و دریایی عمان را به وی محول کرد. در همان
زمان با انتصاب این فرد توسط مدنی مخالفت
شده و این کار غیر قانونی اعلام می شود. چندی
بعدا حکم مدنی، دیلیمی برای مدت یک ماه به
اروپا و آمریکا اعزام می شود. این فرد هیچگاه
باز نمی گردد و به این ترتیب بررسی حیث و میسل
در بروژه امیلیا رد دلاری جا به جا، که با
انحصارات آمریکایی بسته شده بود، معلوم
می ماند.
۴- عملکردهای وی در دوره استانداری

خوزستان و وی در دوره استانداری
خوزستان مرتکب اعمال ضد انقلابی زیادی شده
است. از جمله بکار گرفتن عناصر مرصاواکی و
بدا بقیه بعنوان مشاوران و انتصاب آنها در
پستهای فرمانداری و شهرداری و... بعنوان
مثال افرادی که وی به کار منصوب کرده، اینها
هستند: ۱- مهنا مزرعه (طبق اسناد موجود منع
ساواک بوده است) ۲- قاضی نوری (که مشاور
سیاسی وی بوده است) ۳- اسداله ثابت پور
(که تمام شای فرمانداری و شهرداری در
است) ۴- قدیمی ماهانی ۵- حمدا له عافسی
۶- توکل ثابت ۷- میرزاضی...
در مورد سواک استفاده های مالی وی و قرائن و

انقلاب مشروطه ایران...

بقیه از صفحه اول

کردند. از روحانیان مبارز سخن می گوئیم نه از
روحانیان به طور کلی. در آن دوره در میان روحانیان
چند گروه مشخص وجود داشت: گروهی که مانند حاجی آقا
محسن عراقی، حاجی میرزا حسن مجتهد تبریزی، امام
جمعه تهران و نظایر آنان خود از بزرگترین زمین داران
بودند و با دربار پیوند ناگسستنی داشتند. گروهی دیگر
مانند آقایان طباطبائی و بهیانی و دیگران با تجمیر
بازاریان و اقباط معینی از مردم نزدیکتر بودند. اما انبوه
روحانیان، که قسمت اعظم آنان را پیشنازان مساجد و
طلبه ها و نظایر آنان تشکیل می دادند و از میان توده های
مردم برخاسته بودند، با کسبه و دهقانان و زحمتکشان
شهر ارتباط داشتند، زندگی آنان با مردم عادی فراق
چندان نباشد، اغلب آنان زندگی خود را با کار می
گذراندند. بسیاری از این قشر روحانیان کوچک تا آخر
به انقلاب وفادار ماندند و برخی از آنان در سنگرها جان
سپردند. در میان آنان مبارزان نامداری چون شیخ سلیم،
شیخ محمد خیابانی، ملک الملکین، سید عبدالحمید و
صدا نفر دیگر وجود داشتند که با زبان و شمشیر در راه
پیروزی انقلاب می کوشیدند.

روحانیان بر حسب وابستگی طبقاتی خودشان در جبهه
انقلاب و ضد انقلاب قرار گرفتند و با عمیق شدن انقلاب به
دو گروه مشخص تبدیل شدند، که هر یک دیگری را به
انحراف از "اسلام" متهم می کردند. جالب آنکه آن دسته
از روحانیان، که بر ضد انقلاب بیخاسته و با دربار محمد
علی شاه و سفارت خانه های خارجی بیش از همه نزدیک
بودند، بیشتر به "اسلام" تظاهر می کردند. خود محمد
علی شاه، این مستبد سفاک، در روزهای محرم با پشای
برهنه به سقاخانه شمع می گذاشت، روضه خوانی برپا
می کرد و به نام "اسلام" انقلابیون نظیر ملک الملکین را
می گشت و مجتهدان بزرگی چون طباطبائی و بهیانی را
زیر شلاق و جطاق فراسازی می انداخت.
"اسلام" روحانیان کوچک بیانگر ایدئولوژی زحمتکشان
بخصوص دهقانان بود و "اسلام" روحانیان ملاک وابسته به
دربار ایدئولوژی استبداد فئودالی، که از توده های مردم
می خواست بحکم "اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولوالاخر
منکم" به محمد علی شاه گردن نهند.
تفاد بین این دو "اسلام"، که در تمام طول تاریخ
ایران پس از اسلام وجود داشت، در دوران انقلاب مشروطه
عمیقتر شد. چهره روحانیان فریبکاری که در پشت پرده
"اسلام" از استبداد سلطنتی دفاع می کردند، در انقلاب
مشروطه عربان تر از سابق ظاهر گشت. اما انقلاب مشروطه
بتوانست نفوذ آنان را در زندگی اجتماعی ایران ریشه کن
کند. این دسته از روحانیان در استقرار سلطنت رضاخان
نقش فعالی بازی کردند. اما رضا خان با روحانیان مبارز
که خود در دوران انقلاب مشروطه در صف قزاقها بارها
بروی آنان شمشیر کشیده بود، دشمنی حیوانی داشت و از
هر فرصت برای تصفیه آنان استفاده می کرد. این یکی از
خصوصیات بارز انقلاب مشروطه بود، که صف دوستان و
دشمنان خلق را تا حدود زیادی مشخص کرد.
انقلاب مشروطه نه تنها در داخل کشور، بلکه همچنین
در صحنه بین المللی مرز بین دوستان و دشمنان خلق
ایران را نشان داد.
دولت های امپریالیستی، بخصوص روسیه تزاری و
انگلستان، برای اختناق انقلاب ایران دست یکی کردند.
از سوی دیگر خلق های همسایه ایران و سازمان های انقلابی
جهان هم دردی و هم بستگی خود را با مردم ایران اعلام
نمودند.
انقلابیون روسیه در صف نخستین یاری دهندگان به
انقلاب ایران جای داشتند. سازمان های انقلابی روسیه و
در رأس آن ها حزب طبقه کارگر روسیه، علی رغم مخاطرات
شدیدی که در اثر تعقیب دولت رمنچ تزاری با آن روبرو
بودند، به انقلابیون ایران از حیث سلاح، پول، کادر و
غیره کمک می کردند. بسیاری از آنان در سنگرهای تبریز
جان خود را از دست دادند. در بین دسته های مسلحی که
تهران را تصرف و محمد علی شاه را سرنگون کردند، گروه
کنی از انقلابیون روسیه وجود داشتند.
انقلاب مشروطه به عده زیادی از مردم ایران ثابت

شواهدی موجود است که بعلاوه عدم دسترسی،
کمیسیون تحقیق نتوانست به آن رسیدگی کند،
لیکن این کمیسیون رسیدگی به این سو -
استفاده های مالی را تا کمی می کند و آن را لازم
می شرد.
۵- اسناد ارتباط با مقامات آمریکا
بعوجب ۴ سندوی رابطه مستمری با سفارت
آمریکا داشته است:
سند (۱) - در ژوئن ۱۹۷۹ بعوجب سندی از وی به
عنوان فردی "ملی گرا" و طرفدار آمریکا نام
برده شده است.
سند (۲) همگاری وی با خسرو قشقایی برای انتشار
یک نشریه هفتگی با همکاری آمریکا.
سند (۳) مذاکرات اسداله ثابت پور (از همکاران
نزدیک مدنی و مجری و مدیر طرح های عمرانی
نیروی دریایی و شهردار آبادان) در ۵ اکتبر
۷۹ با کارمندسیاسی سفارت آمریکا (مترنیکو)
در طی این مذاکرات آمریکا علاقه و پشتیبانی
خود را از ریاست جمهوری احمد مدنی اعلام می کند
و بعوجب همین سند مدنی فردی ضد "آخوند" و ضد
فلسطینی معرفی می شود، که آرزوی می کند آمریکا
داخلت مؤثرتری در امرورسیاسی ایران بکند.
سند (۴) مذاکره فردی آمریکا بی بنام "دات"
با ما (حفظه ناشی، که از نزدیکان و همکاران
مدنی بوده است).
دکتریزدی در پیامی با بر دیگر "عدم تلاهت
مدنی" برای نمایندگی مجلس و در اختیار نامه
وی را اعلام کرد. پس از آن تعدادی از نمایندگان
خواستند مدنی در مورد فعالیت های ضد انقلابی
مدنی اراء دهند و از جمله آقای بجوردی گفت:
"مدنی خوزستان جنایت های متعددی مرتکب

پرسش از مقامات مسئول
۱) آیا راست است که دو وکیل لبنانی ما مور
دفاع از حقوق ایران در آمریکا هستند؟
۲) کارمندی که توسط دولت ایران به این دو
وکیل لبنانی پیرداخته میشود، چقدر است؟
۳) چرا از وکلای ایرانی برای دفاع از حقوق
ایران استفاده نمی شود؟
انتظار داریم که مقامات مسئول برای روشن
شدن افکار عمومی به پرسشهای فوق پاسخ دهند.

کرد که انقلاب و ضد انقلاب، هر دو در خارج از کشور
دوستان و دشمنانی دارند. اگر تزاریس و حکومت انگلستان
دست در دست مرتجعان و سرمایه داران ایرانی برای سرکوب
انقلاب می گویند، انقلابیون جهان و در پیشاپیش آنها
انقلابیون روسیه و حزب کمین از مردم ایران در برابر
حکومت های ستم گران دفاع می کنند. هنگامی که انقلاب
کبیر سوسیالیستی اکثر کاح ستم رومانوف را در روسیه
فرو ریخت، مردم ایران که در دوران انقلاب مشروطه
هم بستگی انتزاعی سوسیالیستی کمونیست های روسیه را به چشم
دیدند بودند، بیش از هر نقطه دیگر از جهان از پیروزی
حزب کمین ابراز خرسندی می کردند. در روزنامه های آن
دوره می توان بازتاب این خرسندی قلبی را به چشم دید.
انقلاب مشروطه در اثر خیانت طبقات استعمارگر داخلی
با کمک نیروهای امپریالیستی خارجی مغلوب شد. انقلاب
ایران در آن دوره قادر به سرکوب ضد انقلاب در داخل کشور
بود. شکست نیروهای دولتی در تبریز، شکست نیروهای
سارم الدوله در غرب، شکست ارتش محمد علی شاه در تهران
و همچنین سایر رویدادهای دوران انقلاب مشروطه نشان
می دهد که ضد انقلاب با نیروی خود به تنهایی قادر به
سرکوب انقلاب نبود. تنها کمک استعمارگران خارجی به
ضد انقلابیون و خیانت رفیقان نیمه راه باعث مغلوبیت
انقلاب شد. می توان گفت در سرکوب جنبش های بعد از
انقلاب مشروطه نیز، از جمله جنبش خیابانی، میرزا کوچک
خان، جنبش دموکراتیک خلق های آذربایجان و کردستان
در دوران بی از جنگ، جنبش ملی گردن نفت - همه و همه
ضد انقلاب خارجی نقشی به همین اندازه شوم ایفا کرده
است.

انقلاب مشروطه ایران با جبهه متحد خلق (بسون
هیچ سند و مدارک و اعلامیه ای) آغاز شد، با این اتحاد
پیروزی های بزرگی به دست آورد، نخستین قانون اساسی
کشور را از حلقوم شاهان مستبد قاجاری بیرون کشید،
نخستین مجلس شورای ملی ایران را تشکیل داد، توده های
مردم را به صحنه سیاست کشید، نیروهای مسلح انقلاب را
سازمان داد و با این نیروها ضد انقلابیون مسلح را، کسه
اغلب داداشان بیشتر و تسلیحاتشان برتر بود، مغلوب
کرد و می رفت که به صورت یک انقلاب مردمی در آید. اما
ملاکان و تجار بزرگ با کمک بخشی از روحانیان وابسته به
دربار به انقلاب خیانت کردند، با دربار ساختند، در
جبهه واحد خلق شکاف انداختند، خلق مسلح را به خلق
بی سلاح تبدیل کردند و راه را برای مداخله استعمارگران
خارجی گشودند.
انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر، روسیه تزاری را از یک
دولت سلطه گر و دشمن آزادی و استقلال ایران، به یک
کشور دوست سوسیالیستی مبدل ساخت. ملاکان و تجار
بزرگ، که زخم انقلاب مشروطه را خورده بودند و این بار
در داخل کشور با نیروهایی به مراتب انقلابی تر روبرو شده
بودند، برگرد رضا خان، "ناجی" ایران، حلقه زدند و با
تصویب زئرال انگلیسی آبرون ساید زام امور دولت را به
دست او سپردند، و این راهزن خود فروخته، قانون اساسی
ایران را، که خون بهای فرزندان دلیر ایران در دوران
انقلاب مشروطه بود، چون کاغذ پاره ای بسی ارزش به دور
انداخت. رضا خان و پسرش بنجاه و اند سال بر ایران،
بدون قانون اساسی، به دل خواه خود و به سود اربابان نشان
حکمرانی کردند.

بزرگترین درسی که باید از انقلاب مشروطه گرفت این
است که، طبقات استعمارگر هر لحظه حاضرند به خاطر منافع
باید نشان با نیروهای "هم جنس" خارجی نظیر خودشان بر
ضد انقلاب، همکاری کنند. آنها آحاد ما که صفوف
متحد خلق را با استفاده از دست ترین شیوه ها متفرق سازند
و بدینسان انقلاب را به شکست بکشاند، برای آنکه
خائنان به میهن نتوانند به مقصد خود برسند، باید دست
ناباک کسانی را که به هر عنوان می خواهند در جبهه
دوستان انقلاب (چه داخلی و چه خارجی) رخنه بیفتند،
قطع کرد. اینست تجربه تاریخ ایران!

شده است و لازم است توضیحات بیشتری در این مورد
داده شود.
به همین علت بررسی بیشتر اسناد موجود در باره
مدنی به جلسه بعدی مجلس، که امروز ساعت ۹
تشکیل خواهد شد، موکول گردید.

در حاشیه مجلس
حجت الاسلام خلخالی در بیان خواندن گزارش
کمیسیون تحقیق دربارہ روه مدنی، از دکتر
یزدی پرسید: "تاریخ خروج بختیار و سوار
دیلیمی یکی بوده یا خیر؟"
دکتریزدی پاسخ داد: "اطلاعی ندارم."
حجت الاسلام خلخالی دوباره گفت: "آخیر
بختیار ۵ - ۴ ماه در تهران بود و بعد رفت."
دکتریزدی گفت: "من اطلاعی ندارم."
پس از خواندن گزارش کمیسیون تحقیق، چند
تن از نمایندگان، از جمله محمد تقی رنجبر،
نمایندہ صومعه سرا، پرسیدند:
"پس چرا این افراد در زمان دولت موقت
بستهای حساس گرفتند و حتی تا کا نندیدند تسوری
ریاست جمهوری و نمایندگی مجلس شورای اسلامی
نیز پیش رفتند؟"
دکتریزدی گفت: "این را باید از وزارت
کشور پرسید."
حجت الاسلام خلخالی پاسخ داد: "جواب
تمام این سئوالات را آیت الله مشکینی داده
است."
(آیت الله مشکینی در سخنرانی هفته پیش
خود در نماز جمعه قم خواهان محاکمه دولت
موقت شده بودند.)

نامه هر روز، از گمان مرکزی حزب توده ایران

دائرة امتیاز و مدیر مسئول:
منوچهر پورادی

خبا ۱۶ آذر، شماره ۶۸
محل دفتر نامه مردم
فناوری انتقال عناصر غیر مسئول است